



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۲۲ آبان ۱۴۰۳

موضوع جزئی: موضوع‌شناسی: ۲. تورم - علل تورم - ۴. تورم ساختاری - ۵. انتظارات تورمی -

مصادف با: ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۴۶

۶. نرخ ارز

جلسه: ۱۵

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در موضوع‌شناسی بحث از کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن، رسیدیم به تورم؛ درباره تورم به بعضی از ابعاد آن پرداختیم، اینکه تورم به چه معناست و علل عمده تورم کدام‌اند. به سه علت اشاره کردیم؛ یکی سیاست‌های پولی و مالی، دوم شوک‌های مربوط به عرضه و تقاضا، سوم افزایش هزینه‌های تولید. اجمالاً درباره این سه عامل توضیحی ارائه کردیم؛ البته در اینکه علت العلل تورم چیست و آیا همه علت‌ها به یک علت برمی‌گردد یا چند علت در عرض هم نقش اصلی را در ایجاد تورم یا افزایش آن دارند، اختلاف است. ما صرف نظر از اینکه این عوامل در عرض یکدیگر مؤثرند یا بعضاً به صورت طولی اثرگذار هستند، می‌خواهیم یک فهرست کوتاهی از علل و اسباب تورم را ذکر کنیم.

نکته

من اینجا یک نکته را یادآوری کنم که علت اینکه این بحث را مطرح می‌کنیم و به علل تورم و انواع تورم و آثار آن می‌پردازیم، یکی این است که تورم روی دیگری از کاهش ارزش پول است که موضوع اصلی بحث ماست. دیگر اینکه چون این یک مسئله نوپیدا و نسبتاً جدید است، نیازمند موضوع‌شناسی است و باید جوانب مختلف آن مورد اشاره قرار بگیرد و از رهگذر این مباحث و به تبع آن، ابعاد فقهی موضوع و زوایایی که می‌تواند در بحث ما اثر بگذارد، معلوم شود. موضوع‌شناسی که با تشریح ابعاد فقهی آن موضوع همراه باشد، برای بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر فقهی لازم است؛ مثلاً حقیقت تورم و انواع آن باید معلوم شود تا بعداً ببینیم مثلاً تورم شدید و خفیف، در مسئله ضمان اتری دارد یا نه. آیا مثلاً ابرتورم اگر پدید آمد، موجب ضمان می‌شود یا نه. مثلاً وقتی از عوامل و علل تورم سخن می‌گوییم، اگر فرض کنیم که یک دولتی سیاست مالی و پولی را اختیاراً اتخاذ کند و منجر به تورم شود، آیا می‌توانیم او را ضامن کاهش ارزش پول بدانیم یا نه؟ یک وقت یک سیاستی از نظر مالی و پولی اتخاذ می‌شود اما اختیاری نیست بلکه به دلیل شرایط خاص مثل جنگ، تحریم و امثال اینها، پیگیری می‌شود و این منجر به تورم و کاهش ارزش پول می‌شود. آیا اینجا می‌توانیم بگوییم بانی این سیاست و طراح این سیاست، ضامن است؟ این مسئله وقتی به آثار تورم می‌رسد، خیلی مهم‌تر می‌شود. الان بلاشماره عرض می‌کنم، برای اینکه ربط بین موضوع‌شناسی و بحث اصلی را بیشتر مورد توجه قرار بدهیم. الان آثار هولناکی برای تورم ذکر می‌کنند؛ تورم این نیست که فقط یک افزایشی در متوسط نرخ کالاها پدید بیاید؛ تورم، آثار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دارد؛ آثار اخلاقی دارد. الان موضوع تورم و اخلاق یک موضوعی است که درباره آن بحث می‌شود یا درباره آن کتاب وجود دارد. یا مثلاً اگر تورم شدید شود، این منجر به فروپاشی می‌شود؛ حالا فروپاشی یک وقت متوجه نظام سیاسی است، اینکه مثلاً یک نظام سیاسی فرو بریزد و یک نظام

سیاسی دیگری جایگزین شود. اما دامنه فروپاشی محدود به نظام سیاسی نیست؛ فروپاشی اخلاقی داریم، فروپاشی اجتماعی داریم. ممکن است نظام سیاسی کاملاً مسلط و مستقر باشد، اما مشکلات فراوانی در حوزه اقتصاد، اجتماع و فرهنگ پدید آید. لذا با توجه به آثار نسبتاً خطرناک یا واقعاً خطرناک تورم در بعضی از صورت‌ها، باید به مسئله ضمان و اثر وضعی تورم نسبت به کسی که باعث و بانی آن بوده، توجه کرد یا حتی از حیث حکم تکلیفی هم باید بررسی شود که آیا واقعاً اگر کسی اختیاراً و بدون اینکه ضرورتی ایجاب کند، یک سیاست و تصمیمی را در حوزه پولی و مالی طراحی کند، با علم و قصد نسبت به آن و توجه به عواقب و آثار آن، آیا شرعاً جایز است یا نه، یا اصلاً ما می‌توانیم این را متصف به حکم حرمت کنیم؟

لذا ذکر این موضوع و ابعاد مختلف آن، صرفاً یک دانستنی و اطلاعات اضافی نیست بلکه یک دانستنی است که به نوعی در بحث ما هم اثرگذار است؛ آشنایی با ابعاد مختلف این موضوع، حتماً در بحث اصلی به کار ما می‌آید، همانطور که در مورد پول هم این را ذکر کردیم. بحث‌هایی که در مورد پول داشتیم، اینها ضمن اینکه فی‌نفسه بحث مفیدی است، اما به نوعی مبین ابعاد مختلفی است که در بررسی‌های فقهی باید به آن توجه شود. این نکته‌ای بود که خواستم توجه بفرمایید و اهتمام بیشتری به بحث موضوع‌شناسی داشته باشیم و فکر نکنیم که استطراداً مطرح می‌شود و اگر هم نداشته باشیم مهم نیست، اینطور به مسئله نگاه نکنیم.

ادامه بحث از علل تورم

ما سه عامل یا سه علت از علل تورم را بیان کردیم؛ اکنون بقیه عوامل را ذکر می‌کنیم.

۴. تورم ساختاری

عامل و علت چهارم، ساختاری است که موجب تورم می‌شود، که از آن تعبیر می‌کنند به تورم ساختاری؛ یعنی ساختار یک اقتصاد یا ساختار اداری یا ساختار سیاسی به گونه‌ای است که خودش موجب تورم می‌شود.

مثلاً مشکلی که در سیستم حمل و نقل در یک کشور وجود دارد، موجب افزایش هزینه و در نتیجه تورم می‌شود؛ یک ناوگان فرسوده‌ای که کالاها و اجناس مورد نیاز مردم را جابجا می‌کند، اگر فرسوده باشد، اگر چابک نباشد، اگر به اندازه کافی نباشد، این موجب تورم می‌شود؛ چون همه نیازهای مصرفی ما امروز با وسایل حمل و نقل جابجا می‌شود؛ یعنی نزدیک ۳۰۰ قلم کالایی که در سبد خانوار قرار می‌گیرد، اغلب آنها وابسته به حمل و نقل است. این یک ساختار است؛ بالاخره باید برای حمل و نقل یک سیستمی طراحی شود تا موجب آن افزایش نشود.

یا مثلاً ساختار اداری، ساختار اقتصادی، نوع ارتباط و تعامل بین دستگاه‌های مختلف اداری و اجرایی، طبیعتاً در تورم اثر دارد. اگر مثلاً در ساختار اداری یک بروکراسی قوی حاکم باشد، یعنی نامه‌نگاری و گردش کار و ارجاعات مختلف و دواندن مردم برای اینکه مثلاً یک کار اقتصادی می‌خواهند انجام بدهند، قهراً موجب تورم می‌شود. اگر بستریایی برای رانت و امتیاز ویژه فراهم شود، این موجب تورم می‌شود.

پس یکی از علل مهم تورم، مشکلات ساختاری در کشور است. حتی اگر مثلاً یک بخشی رشد اقتصادی خوب داشته باشد اما بخش دیگر رشد اقتصادی مناسب نداشته باشد، این ناهماهنگی در بین بخش‌های اقتصادی موجب تورم می‌شود.

۵. انتظارات تورمی

علت دیگر و عامل پنجم برای تورم، انتظارات تورمی است. انتظارات تورمی همانطور که از نام و عنوانش پیداست، یعنی اینکه

مردم براساس تجربه و مشاهدات خودشان، انتظار افزایش نرخ تورم را دارند، و این خودش موجب افزایش تورم می‌شود. مثلاً اگر مردم در یک دوره‌ای ببینند قیمت‌ها به سرعت در حال رشد است، سال به سال یا ماه به ماه قیمت‌ها اوج می‌گیرد، این انتظار افزایش نرخ‌ها و افزایش تورم باعث می‌شود خریدهای خودشان را بیشتر کنند؛ چون نگران افزایش قیمت و عدم توانایی خرید در آینده هستند، مبادرت به خرید بیشتر می‌کنند. اگر این حالت نگرانی نسبت به آینده و حالت انتظار تورم در یک مدت زمان قابل توجه ادامه پیدا کند، این خودش باعث تورم می‌شود. از سوی دیگر تولیدکنندگان از فروش تولیدات خودشان کم می‌کنند به امید اینکه قیمت این کالا در آینده افزایش پیدا خواهد کرد. فروشندگان برای اینکه سود بیشتری ببرند، از عرضه کالاهای خودشان خودداری می‌کنند؛ برای اینکه وقتی دیرتر بفروشند، سود بیشتری نصیب آنها می‌شود. این نهایتاً منجر به کاهش عرضه می‌شود؛ لذا از یک طرف تقاضا بالا رفته و از سوی دیگر عرضه کاهش پیدا می‌کند و موجب تورم می‌شود. از این عامل تعبیر می‌کنند به انتظارات تورمی.

ممکن است کسی بگوید این انتظار تورمی یک علت بی‌واسطه و مستقیم نیست؛ چون با این بیانی که توضیح داده شد، معلوم شد که این باعث می‌شود روی تقاضا و عرضه فشار بیاید؛ پس برمی‌گردد به عامل دوم. از یک منظر ممکن است این یک علتی در طول عامل دوم باشد که همان شوک‌های عرضه و تقاضا است.

البته به گونه دیگری هم می‌توانیم انتظارات تورمی را تفسیر کنیم که بتواند به عنوان یک علت مستقل قلمداد شود و به عامل و علت دوم یعنی شوک‌های عرضه و تقاضا برنگردد و آن اینکه اساساً ما این را یک امر روانی به حساب بیاوریم؛ بگوییم این یک علت روانی است، ولو به حسب واقع تأثیری هم نداشته باشد. لکن این هم که باشد (که حقیقتاً هم همین است) باز به عرضه و تقاضا برمی‌گردد؛ بالاخره همین که این انتظار وجود دارد، این یک عامل روانی است. یعنی مردم وقتی می‌بینند قیمت‌ها دائماً بالا می‌رود، این اضطراب و نگرانی نسبت به آینده پدید می‌آید؛ این یک عامل روانی است. منتها اثر این عامل روانی چیست؟ وقتی انتظار تورمی ایجاد می‌شود، اثر آن این است که به دنبال این نگرانی، دنبال خرید بیشتر و مقدور و ممکن در زمان حاضر با قیمت‌های فعلی باشند و این باعث می‌شود که تقاضا افزایش پیدا کند و طبیعتاً همان نکته‌ای که در مورد تولیدکنندگان و فروشندگان گفتیم، به این امر کمک می‌کند و نرخ رشد قیمت‌ها بالا می‌رود. لذا باز هم برمی‌گردد به مسئله عرضه و تقاضا.

سؤال:

استاد: آنجا دیگر انتظار تورمی نیست؛ انتظار تورمی به عنوان یک علت برای افزایش تورم فقط در این فرض پیش می‌آید. همیشه دیده‌اید که در بحث‌های اقتصادی، می‌گویند حلال مشکلات کشور، افزایش تولید است؛ وقتی تولید زیاد شود، هم نرخ بیکاری کم می‌شود و هم تورم پایین می‌آید. اینها بحث‌های خاص خودش را دارد.

سؤال:

استاد: لزوماً اینطور نیست؛ اگر در یک کالای خاص پیش بیاید، این اسمش تورم نیست؛ الان زیاد پیش می‌آید؛ مثلاً یک دارو که مورد نیاز است، یک دفعه کمیاب می‌شود؛ برای این کالای خاص تقاضا زیاد می‌شود، یا اصلاً تقاضا همان است ولی عرضه جوابگوی آن تقاضا نیست؛ این باعث می‌شود که مثلاً کسی به شما بگوید که من این دارو را برای شما پیدا می‌کنم، ولی اگر تا

حالا ۵۰ تومان می خریدی، الان ۵۰۰ تومان باید بخری. اما وقتی در یک سبد کالایی و آن هم در یک بازه زمانی معین اتفاق بیفتد، اسم آن تورم می شود.

۶. نرخ ارز

نرخ ارز و افزایش آن هم یکی از عوامل تورم است. وقتی نرخ یک ارز بالا می رود ... البته افزایش نرخ ارز یک وقت در سطح جهانی اتفاق می افتد و این خود به خود نسبت به کالاهای وارداتی ایجاد تورم می کند؛ الان طیف زیادی از کالاها وارد می شود، از خوراکی و دارویی و درمانی گرفته تا چیزهای دیگر. وقتی نرخ ارز بالا می رود، موجب افزایش نرخها در یک طیفی از کالاها می شود. افزایش نرخ ارز یک روی دیگری دارد و آن هم کاهش ارزش پول ملی است؛ وقتی می گوئیم قیمت ارز بالا می رود، یعنی چه؟ یک وقت ارز در برابر پول داخلی بالا می رود، این خودش مسئله ماست، آن وقت چطور می تواند نرخ ارز بر این اثر بگذارد؟ بالاخره افزایش نرخ ارز عین کاهش ارزش پول است، نه اینکه یک عامل مستقل باشد، نه اینکه در کنار سایر علتها به عنوان یک علت برای تورم محسوب شود. این احتیاج به بحثهای تخصصی تر دارد. یک وقت نرخ یک ارزی به صورت جهانی بالا می رود و ارزش پیدا می کند، مثل همین اتفاقی که این چند روزه بعد از انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیش آمد؛ بعد از این انتخابات، نرخ دلار به صورت جهانی افزایش پیدا کرد. البته در داخل کشور آنگونه که پیش بینی می شد، خیلی جهش پیدا نکرد بلکه حتی یک مقداری کاهش داشت. این افزایش نرخ ارز آن هم در سطح جهانی، معنایش این است که شما هر جای دنیا بخواهید بروید که یک کالای مورد نیاز را تهیه کنید، قیمت آن بالا رفته است. طبیعتاً وقتی این کالا با قیمت بالا وارد می شود، موجب تورم می شود؛ در بعضی اصطلاحات از این تورم تعبیر می کنند به تورم وارداتی؛ یعنی تورمی که از افزایش نرخ کالاهای وارداتی حاصل می شود.

شش عامل را تا اینجا ذکر کردیم، اما عوامل دیگری هم وجود دارد؛ ما اگر بخواهیم همه این عوامل را بگوئیم مخصوصاً این عوامل با توجه به اینکه بعضی طولی محسوب می شوند، تعداد بیشتری قابل ذکر است. این اجمالاً علل و عوامل بود؛ ان شاء الله جلسه آینده درباره انواع تورم مطالبی را عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»